

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سی و هشتم، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت: ۱۶۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در محضر شما عزیزان که سلام و درود خدا بر شما
باد، تحلیل و تبیین سادہ و آسان از آیات قرآن را
تقدیم می‌کردیم. رسیدیم به آیه ۲۶ سوره بقره ﴿إِنَّ
اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ
كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾.

دعوت مردم به عبادت و اطاعت از خدا

خب در ابتدا، بنده در باره آیه ۲۵ که آیه قبل بود، یک
نکته‌ای را عرض بکنم، بعد وارد تبیین و تحلیل صحیح
آیه ۲۶ شویم. ببینید عزیزان، رویکرد کلی این آیات
این بود که عرض کردیم، خدای متعال در مورد برخورد
جریان نفاق و کفر، با حاکم دینی جامعه که پیامبر
گرامی اسلام باشد، به ما گوشزد کرد، که اینها در

مقابل حاکمیت دینی پیامبر موضع می‌گیرند. خب
 خدای متعال هم آنها را دعوت فرمود که ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُونَ﴾ ابیاید خدا را عبادت کنید و اطاعت کنید، تا
 در زمره متقین قرار بگیرید. متقین، همراه و حامی
 پیامبر هستند و فرمان او را اطاعت می‌کنند.

عدم پذیرش ربوبیت خدا، دلیل مقابل‌ه مشرکین با پیامبر

خب قرآن فرمود، کسانی که در مقابل پیامبر
 می‌ایستند، در توحید و نبوت و معاد، مشکل دارند. در
 آیه ۲۵ فرمود، کسانی که در مقابل پیامبر می‌ایستند و
 مشرک می‌شوند، شرک‌شان، یک نوع شرک در ربوبیت
 هست، یعنی ربوبیت خدا را قبول ندارند. یعنی چه؟
 یعنی می‌گویند، نیاز نیست که در امور سیاسی یا امور
 اجتماعی مان از خدا اطاعت کنیم، یا خدا برای ما برنامه
 بدهد. ما با عقل مان می‌توانیم به اقتضای منافع مان،
 راهکار صحیح برای برخورد با مسایل سیاسی را پیدا
 کنیم. خدای متعال، این را یک شرک بزرگ می‌داند.
 فرمود، اگر شما می‌توانید در مقابل پیامبر حرفی برای
 گفتن داشته باشید، یک سوره یا آیه‌ای مثل قرآن
 بیاورید. راهکارهایی که وحی به شما نشان می‌دهد،
 برای این است که بدانید برخوردتان در مسائل اجتماعی

و سیاسی، باید چگونه باشد. اگر می‌توانید، راهکاری ارائه بدهید. اگر حرفی برای گفتن دارید، مثل پیامبر، که قرآن را به شما ارائه داد، شما هم یک سوره یا آیه‌ای مثل قرآن بیاورید. یعنی راهکاری برای نظام اجتماعی و سیاسی ارائه کنید، تا به منفعت کلی جامعه برسیم و در مسیر به سوی خدا و بی‌نهایت، حرکت کنیم. شما یک نقشه ارائه بدهید تا هر انسانی، به آن گنج بی‌نهایت برسد. خب اگر نمی‌توانید، پس منتظر باشید تا به آتش حرمان دچار بشوید. ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾^۲ در نقطه مقابل شما، مومنین هستند. مومنینی که متقی هستند ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^۳. بشارت بهشت بده، آنهایی را که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند.

برترین عمل صالح، حمایت از پیغمبر و حفظ نظام دینی در جامعه

بنده در جلسه قبل عرض کردم، هر جا قرآن می‌فرماید ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ مراد از ایمان و عمل صالح، کدام ایمان و عمل صالح است؟ ایمان به پیامبر خدا و دستورات و راهکارهایی که پیامبر برای اداره امور اجتماع می‌دهد، که از جانب خدا می‌آید. ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾^۴، پیامبر خدا، از جانب خودش

۲. سوره بقره؛ آیه ۲۴

۳. سوره بقره؛ آیه ۲۵

۴. سوره نجم؛ آیه ۴

چیزی نمی آورد. منافقین می گویند، اینها از جانب خدا نیست، پیامبر از خودش درآورده است. مومنین کسانی هستند که به راهکارهای اداره امور اجتماعی و سیاسی، که خدا به پیامبرش می دهد ایمان دارند و اینها را می پذیرند. ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی، چه کار می کنند؟ کار صالح، اینجا چیست؟ کار صالح، صرفاً خوش اخلاقی و صدقه دادن و این حرفها نیست. برترین عمل صالح، حمایت از پیغمبر و حفظ نظام دینی در جامعه است. این بالاترین عمل صالح است که از نماز و از همه احکام دیگر اسلام، بالاتر و برتر است.

عمل صالح یا اطاعت و حمایت از پیامبر، کمبود منافقین

خب، وقتی ما این مطلب را در جلسه قبل عرض کردیم، بعضی از دوستان، سوال کردند یا برایشان سوال پیش آمده که چرا شما فقط ایمان و عمل صالح را، در این مطلب خلاصه می کنید؟ عرض کردیم، ما نمی گوئیم ایمان و عمل صالح، فقط این است. ما می گوئیم، مصداقِ تامّ ایمان و عمل صالح، در جایی که روی سخن با منافقین و کافرین هست، این است. اینجا وقتی خدا می فرماید، ایمان و عمل صالح، یعنی همان چیزی که منافقین ندارند. آن چیزی که منافقین ندارند چیست؟ ایمان و عمل صالح است. اینها ایمان ظاهری به اصل وجود خدا و خالقیت خدا دارند، این

ایمان‌شان، کافی نیست. ایمانی که اینجا می‌گوید، فراتر از ایمانی است که منافقین تظاهر می‌کنند، یعنی ایمان به خالقیت و ربوبیت. این ایمان به ربوبیت، مهم است. ایمان به اینکه، امور سیاسی و نظام اجتماعی ما را خدا باید مدیریت کند. ما نمی‌توانیم، صرفاً با اتکاء به عقل‌مان و بر اساس منافع مادی‌مان، این امور را تنظیم کنیم. خدا باید به ما بگوید، چه کار باید بکنید. عمل صالح، همان چیزی است که منافقین ندارند. منافقین، ظاهراً نماز می‌خوانند، کمک به دیگران می‌کنند، خوش اخلاقی می‌کنند، اما اینها، عمل صالحی نیست که در آیه می‌فرماید. عمل صالح، چیزی است که آنها ندارند و آن اطاعت کردن و حمایت کردن از پیامبر است، سختی کشیدن برای تحقق دستور پیامبر در جامعه است. این چیزی است که منافقین ندارند و متقین دارند. لذا وقتی این طور آیات می‌فرماید **﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾**^۵، نباید خطِ کلی بحث، فراموش بشود. خط کلی بحث این است که خدا، رفتار منافقین و کافرین را تخطئه می‌کند. رفتار منافقین و کافرین چیست؟ این است که از پیامبر خدا اطاعت نمی‌کنند.

۵. سوره بقره؛ آیه ۲۵

معادن و درآمدهای عمومی جامعه، در دست خدا و رسول

اگر بخواهید مصداق تام **«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»** را پیدا کنید، آیات ابتدایی سوره انفال را ببینید. سوره انفال از اینجا شروع می‌شود. **«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»**^۶. انفال، یعنی معادن و درآمدهای عمومی جامعه. اینها باید در دست خدا و رسول باشد. یعنی پیامبر خداست که باید بگوید، منابع عمومی چه طور تقسیم بشود. **«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»** پس از خدا پروا کنید، یعنی پرهیز کنید، از اینکه اینجا مخالفت کنید. اگر پیامبر خدا فرمود، این منبع مالی باید به صرفِ چنین کاری برسد، برای چنین کاری هزینه بشود، باید شما اطاعت کنید. **«وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»** و اصلاح کنید، نزاعی که بین‌تان هست. یک عده نمی‌پذیرند، یک عده می‌پذیرند، آنهایی که ایمان دارند، سعی کنند بقیه را متقاعد کنند. **«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»**. ببینید، آیه صراحت دارد که **«أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»**، از خدا و رسولش اطاعت کنید، اما منافقین در این جور موارد، اطاعت نمی‌کنند. [پس منافقین در چه اموری از پیامبر اطاعت می‌کنند؟] وقتی پیامبر به منافقین می‌گوید، نماز بخوانید، می‌خوانند. آیا هیچ منافقی

۶. سوره انفال؛ آیه ۱

آمده بگوید یا رسول اللہ، چرا می‌گویی صبح دو رکعت نماز بخوان؟ ما می‌خواهیم یک رکعت بخوانیم. چرا می‌گویی نماز ظهر و عصر چهار رکعت بخوان؟ آیا شما در طول تاریخ شنیدید، آنهایی که در مقابل پیامبر تَمَرُّد می‌کردند، در احکام و مناسک دین، تَمَرُّد بکنند؟ مثلاً بگویند، تو گفתי باید نماز را به این شکل بخوانید، وضو را این‌جوری بگیرید، غسل را این‌جوری، ما می‌خواهیم یک جور دیگر انجام بدهیم. نه. معمولاً در این جور موارد، همه اطاعت کردند. حتی منافقین، تظاهر به اطاعت می‌کنند. پس منافقین در چه اموری اطاعت نمی‌کنند؟ در امور اجتماعی و سیاسی. اینکه پیامبر خدا بگوید، این منابع مالی، صرفِ فقرا بشود. اینجاست که منافقین می‌گویند، سهم ما چیست؟ اینجاست که اطاعت نمی‌کنند. آن وقت قرآن می‌فرماید ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید از خدا و رسول خدا اطاعت کنید. اینجا شرط ایمان را اطاعت از خدا و رسول خدا می‌داند ﴿إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. یعنی شرط اول ایمان، اطاعت از رسول خداست. اطاعت از پیامبر، در امور اجتماعی و سیاسی است که معنا دارد. در امور اخلاقی چطور؟ آیا شما شنیدید یک نفر بگوید، یا رسول اللہ تو که می‌گویی راستگو، حلال‌خور و امانت‌دار باشید، ما مخالفیم، ما نمی‌خواهیم امانت‌دار و راستگو باشیم؟ در امور اخلاقی

و در مسائل مربوط به مناسک، هیچ کس دیده نشده در مقابل پیغمبر موضع بگیرد. اصولاً منافقین با پیامبر سر این چیزها مشکلی ندارند. منافقین سر مسائل اجتماعی و سیاسی مشکل دارند. کافرین هم همین طور بودند.

سران کفر و نفاق، مخالف دخالت پیامبر در امور سیاسی و اجتماعی

اگر پیامبر خدا فقط می‌نشستند، درس اخلاق می‌دادند و فقط می‌گفتند یک سری مناسک را انجام بدهید. در مقابل خدا این جوری نماز بخوانید این طوری عبادت بکنید، آیا کفار و مشرکین مکه و قریش، در مقابل پیغمبر موضع می‌گرفتند؟ ابداً کاری با پیامبر نداشتند. اگر همه انبیاء، فقط درس اخلاق می‌گفتند، کسی کاری با آنها نمی‌داشت. تازه، وجود یک پیغمبری که در جامعه، برای مردم درس اخلاق بگوید، به نفع طاغوت‌هاست. طاغوت‌ها خودشان دوست دارند، در جامعه‌ای که حکومت می‌کنند مردم اخلاق را رعایت بکنند، تا نظم حکومت‌شان تامین بشود. لذا به یک معلم اخلاق نیاز دارند. اما چه وقت با این پیامبر خدا وارد ستیز و جنگ می‌شوند؟ وقتی پیامبر خدا ﷺ در امور سیاسی و اجتماعی دخالت کند و آنها احساس کنند پیامبر خدا حاکمیت را از آنها می‌گیرد. منافقین و کافرینی که قرآن درباره اینها سخن می‌گوید، و اینها را

به جهنم حواله می‌دهد، سران کفر و نفاق‌اند، دنبال قدرت‌اند، حاکمان جامعه هستند. وقتی پیامبر خدا در امور اجتماعی و سیاسی دخالت می‌کند، اینها احساس تنگی جا می‌کنند، لذا با پیغمبر خدا، مقابله می‌کنند.

مؤمنان واقعی، اطاعت کنندگان از پیامبر، اقامه کنندگان نماز و حاکمیت دین در جامعه و کمک کنندگان در امور اقتصادی

در آیه ۲ سوره انفال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾، مومنون کسانی هستند که وقتی آیات خدا بر آنها خوانده می‌شود، وقتی یاد خدا و ذکر خدا به میان می‌آید ﴿وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ دل‌هایشان خاشع می‌شود. وقتی می‌گویند، خدا گفته که این مال باید صرف فقرا بشود، چیزی نمی‌گویند، قلب‌شان خاضع می‌شود ﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ و وقتی دستور خدا می‌رسد به پیامبر که باید در امور اجتماعی و سیاسی این کار را بکنی، اینها ایمان‌شان افزایش پیدا می‌کند ﴿وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ می‌گویند با توکل به خدا، این کار را انجام می‌دهیم. اگر پیامبر می‌گوید بجنگید، چشم با توکل بر خدا می‌رویم می‌جنگیم. اگر می‌گوید، انفاق کنید، هرکاری می‌گوید می‌کنیم. بعد ببینید این آیات، خیلی روشن کننده است. ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾^۷. مومنین چه کسانی

۷. سوره انفال؛ آیه ۳

هستند؟ کسانی که **﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾** یعنی نماز را برپا می‌دارند. یعنی اقامه ارزش‌ها در جامعه، یعنی حاکمیت دینی را در جامعه پیاده می‌کنند، از حاکمیت صالحان در جامعه حفاظت می‌کنند. با فرآیندی که قبلاً توضیح دادیم، اقامه نماز، همان اقامه حاکمیت دینی است. **﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾** و در امور اقتصادی جامعه، به پیامبر کمک می‌کنند. برای تحکیم حاکمیت دینی و برای پُر کردنِ خلأها، از مال خودشان مایه می‌گذارند. خب بعد می‌فرماید: **﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾**^۸. ببینید اینهایی که از پیامبر اطاعت می‌کنند، در پی اقامه نماز و اقامه حاکمیت دین در جامعه هستند و برای تحکیم پایه‌های حاکمیت دینی، در امور اقتصادی کمک می‌کنند، اینها واقعاً مومن هستند **﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾**. پس، هر جا خدا می‌فرماید مومنون، مراد چه کسی است؟ همین‌ها، همین‌هایی که در امور اجتماعی و سیاسی، در میدان هستند. کسی که در خلوتِ خانه‌اش نماز می‌خواند و آدم اخلاقی خوبی است، ولی به میدان نمی‌آید، مومن نیست. اینجا آیه صراحت دارد **﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾**، اینها در میدان هستند، اینها دنبال اقامه ارزش‌ها در جامعه هستند، اینها از پیغمبر اطاعت می‌کنند **﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ**

۸. سوره انفال؛ آیه ۴

رَبِّهِمْ». برای این‌ها درجات ویژه‌ای است نزد پروردگارشان و مغفرت و رزق کریم. خداگناهان و خطاهای کوچک و در امور فردی‌شان را می‌بخشد. ان‌شالله رزق با ارزشی خدا، هم در دنیا و هم در آخرت به آنها می‌دهد. پس این جمله **«أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»**، می‌خورد به همین مومنانی که اطاعت می‌کنند.

بشارت بهشت، ویژه اطاعت‌کنندگان از پیامبر

لذا اینجا اگر می‌فرماید: **«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»**. بشارت به کدام مومنان؟ بهشت را بشارت بده به آنهایی که اینجا فرمود، اطاعت می‌کنند، پای‌کار دین ایستاده‌اند. وقتی پیغمبر به آنها می‌گوید، بیایید در میدان، در مقابل منافقین و کفار و فتنه‌ها، در میدان می‌ایستند. ما نیایم این آیات را، جدای از فضای سیاسی و اجتماعی جامعه معنا کنیم و بگوییم **«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»** بشارت بدهد مومنین را و هر کس عمل صالح انجام می‌دهد. **«أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»**. نه. این بشارت، مربوط به کسانی که ایمان ظاهری دارند و عمل صالح جزئی انجام می‌دهند نیست. بلکه مخصوص آنهایی است که ایمان اصلی دارند. ملاک ایمان این است که، انسان ایمان داشته باشد، که خدا رب است نه فقط خالق است. ایمان به وجود خدا، کافی نیست.

دین، امر فردی یا اجتماعی

خیلی‌ها خدا را قبول دارند. قبول داشتنی که منجر شود به اینکه خدا باید تمام امور سیاسی ما را مدیریت کند. باید حاکمیت دینی را بپذیرد. کسی که بگوید، من حاکمیت دینی را قبول ندارم و نظام لیبرال دموکراسی غرب را قبول دارد، باید مردم، حاکم را انتخاب کنند، نه خدا، نه خبرگان، نه بر اساس ملاک‌های دینی. این یعنی، من خدا را در خالقیت قبول دارم، اما در ربوبیت نه. حرف خدا و حکم خدا، در امور سیاسی و اجتماعی، جایی ندارد. دین از سیاست جداست. سیاست را با عقل و رای خودمان، مدیریت می‌کنیم. دین را در گنج خانه، مسجد، معبد، کنیسه و کلیسا به نمایش می‌گذاریم. دین یک امر فردی است. خیر. دین یک امر اجتماعی است. تمام این آیات نشان می‌دهد، دین یک امر اجتماعی است. آنقدر که قرآن، روی اجتماعی بودن دین تأکید دارد، روی امر فردی بودنش، اصلاً حرفی نزده. دین، یک امر فردی نیست. دین، برای نظم دادن به امور اجتماعی و سیاسی ما آمده. دینی که فقط بخواهد، اخلاق ما را درست کند و عبادت فردی ما را درست کند، این دین، به هیچ دردی نمی‌خورد. قرآن، این دین را ارائه نداده. طاغوت‌ها، با دینی که نظام اجتماعی و سیاسی جهان را می‌خواهد اصلاح کند، مخالفند. دینی که در سیاست دخالت می‌کند،

برای طاغوت‌ها مُضِرّ است و طاغوت‌ها به جنگش می‌آیند. شما در خانه خودت عبادت کن، اخلاق خوب داشته باش، با شما هیچ کاری ندارند، لوح تقدیر هم برای شما می‌فرستند.

اما آیه ۲۶ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا﴾ که فرصت تمام شد، ان شاء الله در جلسه بعد عرض می‌کنم. ولی برای شما این سوال را طرح بکنم؛ فکر کنید که آیه بعد، چه ارتباطی با رفتار منافقین دارد؟ خدا چه می‌خواهد بگوید؟ خدا کدام خصیصه منافقین و کافرین، که در مقابل پیامبر داشتند را، می‌خواهد اشاره کند و به ما نشان بدهد؟ منافقین بهانه جو، دنبال چه هستند؟ مطلبی که خواهیم گفت، خیلی ارتباط دارد با وضع امروز جامعه ما و فضای مجازی و مسائلی که اطراف ما اتفاق می‌افتد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین.